

درس نود و یکم – نگاهی به پیشوند um در افعال

سلام دوستان در این درس می خواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به پیشوند um که به افعال زبان آلمانی اضافه می شود و به آنها معنی و مفهوم تازه تری میدهد ، همانطور که گفته ام ، در زبان آلمانی هر کاری یا هر چیزی فعل مخصوص به خودش را دارد و دلیل این پیشوند ها به افعال همین است و گاهی هم نه تنها پیشوند فعل عوض می شود بلکه خود فعل نیز به کل تغییر میکند ، مثلا در زبان فارسی ما تنها از یک فعل استفاده میکنم اگر بخواهم به جای بروم ، برای مثل من به خانه بروم ، حال چه با ماشین چه با پای پیاده ، فرقی نمیکند ، اما در زبان آلمانی اینگونه نیست و اگر بخواهم با پای پیاده بروم باید از فعل gehen استفاده کنم و اگر با اتومبیل یا موتور یا دوچرخه بخواهم بروم باید از fahren استفاده کنم.

حال در این درس می خواهیم یاد بگیریم اگر پیشوند um به یک فعل اضافه شود چه تفاوتی در آن ایجاد میکند!

به مثال زیر توجه کنید :

gehen رفتن

umgehen از بی راه رفتن ، راه دیگری را انتخاب کردن ، از یک مسیر دیگر رفتن

برای مثال اگر من بخواهم خیلی معمولی و نرمال به مسیرم ادامه بدهم و بروم از فعل gehen استفاده میکنم اما اگر بخواهم به طور دیگری یا به شکل دیگری یا از راه یا مسیر دیگری بروم آنگاه از فعل umgehen استفاده میکنم.

به مثال های زیر در زبان آلمانی توجه کنید :

Ein Hindernis umgehen

یک مانع را دور زدن ، از کنار یک مانع به صورت مار پیچ رفتن

فرض کنید که دارید مستقیم میروید (gehen) یعنی تا اینجا دارید gehen میکنید و بعد از آن در مسیرتان یک سد یا مانع می بینید و مجبور هستید حالا آنرا دور بزنید یا از کنارش رد بشوید ، آنگاه شما دارید umgehen میکنید و نمیتوانید از فعل gehen استفاده کنید ، چون دارید به شکل متفاوت و دیگری میروید.

Die Straße umgeht die Stadt

آن خیابان به صورت مارپیچ به شهر میرسد یا میرود

مسیری است که مستقیم نیست بلکه کج یا بیراه است

Die Straße geht zur Stadt

آن خیابان به شهر میرسد یا میرود

مسیر مستقیمی است و سر راست به شهر میرسد

در مثال اول umgehen گفتیم یعنی از بی راه رفتن یا از یک مسیر دیگری رفتن معنی میدهد و وقتی من بخواهم به کسی بگویم که این مسیر ، یک مسیر مستقیم نیست و پیچ در پیچ هست ، آنگاه باید از فعل umgehen استفاده کنم و بگویم که آن مسیر از بی راه به شهر میرسد.

اما در مثال دوم اگر یک مسیر مستقیم باشد آنگاه می بایستی از فعل gehen استفاده کنم و این بدان معنی است که آن مسیر مستقیم میرود و تا شهر دیگر نیازی نیست از یک راه دیگری بروی تا به شهر برسی بلکه Direkt به شهر میرسی direkt هم که میدانید یعنی بلاواسطه ، بی واسطه ، مستقیم ، راست ، بدون انحراف

برای افعال fahren و umfahren نیز به همین صورت است

fahren رفتن ، رانندگی کردن

umfahren دور زدن ، بیراهه رفتن ، از خط کمربندی عبور کردن

نکته : توجه کنید که فعل umfahren هم می تواند جدا شدنی باشد و هم جدا نشدنی ، که ما در این درس به پیشوند um آنگونه اشاره میکنید که فعل را یک فعل جدا شدنی نمیکند!

Sie hat den ganzen See mit dem Rad umfahren

او تمام دریاچه را با دوچرخه دور زد

یعنی دور تا دور دریاچه را با دوچرخه رفت ، دور دریاچه چرخید یا به تفکر آلمانی umfahren کرد

Ich umfahre die Innenstadt

من در شهر دور میزنم

نکته : توجه داشته باشید که این دور زدن به معنی گردش به جهت چپ یا راست نیست ، زیرا چرخش کردن خود یک فعل دیگر است

abbiegen گرداندن ، برگرداندن ، تغییر جهت دادن ، گردش کردن ، مانع کاری شدن ، خماندن

این دور زدن یعنی در شهر گشتن و خیابان های شهر را بالا پایین کردن ، از کوچه پس کوچه هاش رفتن

Einen Stau umfahren

یک ترافیک را دور زدن

به صورتی برویم که در ترافیک نمانیم.

فرض کنید که داریم fahren میکنیم و در چند متر جلوتر ترافیک سنگینی وجود دارد ، آنگاه یک مسیر دیگر یا یک بیراه را می شناسیم و umfahren میکنیم که در ترافیک گیر نکنیم ، به زبان ساده تر ترافیک را دور میزنیم.

Diese Autobahn ist gesperrt, wir müssen umfahren

این اتوبان مسدود شده است ، ما باید از بی راه برویم یا از یک مسیر دیگر برویم

نکته : اگر umfahren در نقش یک فعل جداشدنی باشد آنگاه معنی زیر را میدهد

با ماشین به چیزی زدن و آن را انداختن

چند فعل دیگر :

arbeiten کار کردن ، مشغول انجام چیزی بودن ، فعالیت داشتن

umarbeiten تغییر اساسی ایجاد کردن ، اصلاح کردن

فرض کنید که شما در حال انجام یک کاری هستید یا به زبان ساده تر دارید arbeiten میکنید بعد رئیس شما می آید می گوید که اینکار را شما اشتباه انجام داده اید و به کل باید یک کاری دیگری انجام داد ، به شکل دیگر و روش دیگر و کلا باید اینرا خراب کنید و از نو دوباره به شکل دیگری انجامش بدهید ، یعنی umarbeiten کنید.

Halbtags arbeiten

نیمه وقت کار کردن

Ein Kostüm nach neuester Mode umarbeiten

یک لباس را به خاطر جدیدترین مد تغییر اساسی در آن ایجاد کردن

یک لباس را به جهت مد جدیدتر به شکل اساسی تر روش کار کردن و در آن تغییر به وجود آوردن

bauen ساختن ، بناکردن ، زراعت کرن ، ساختن ماشین یا تراکتور ، تولید کردن ، ایجاد نمودن ، به وجود آوردن

umbauen به شکل دیگری بنا کردن ، تغییرات اساسی در یک ساختمان ایجاد کردن

فرض کنید که من یک ساختمان ساخته ام اما آن کاملا کج است و شهرداری دستور میدهد که این ساختمان باید به کل و به طور اساسی از نو ساخته شود یا umbauen شود.

Er hat ein Haus gebaut

او یک خانه ساخته است

Einen Bahnhof umbauen

یک ایستگاه قطار را از نو ساختن ، دوباره بنا کردن ، به طور اساسی تغییراتی در آن ایجاد کردن.

برای مثال در ایستگاه اصلی شهر اشتوتگارت قدیم ها یک ایستگاه bauen کرده بودن اما چند وقت پیش به دلیل گسترده کردن

آن ایستگاه ، آمدند و آنرا umbauen کردند ، یعنی یک تغییر اساسی در آن به وجود آوردن و از نو شروع به ساختن مسیر های جدیدتر کردند. که معمولا از فعل umbauen یک اسم مذکر به دست می آورند که می شود Der Umbau به معنی تغییر دکراسیون ، تجدید بنا ، تغییر شکل یک ساختمان و ... که می گویند :

Der Umbau des Stuttgarter Hauptbahnhofs

تغییر و دگرگونی ایستگاه قطار شهر اشتوتگارت

نکته : توجه کنید umbauen را با تعمیرات بنا اشتباه نگیرید ، زیرا تعمیرات در ساختمان خودش یک فعل جدا دارد به نام renovieren که به معنی نو کردن ، تازه کردن ، بازسازی کردن ، نو سازی کردن است

اما منظور ما در اینجا تعمیرات یا نو سازی نیست بلکه یک تغییر اساسی درون ایستگاه قطار ایجاد کردن و مسیرها و خط های جدید به آن اضافه کردن

فرض کنید من یک ساختمان دارم و دیوار ساختمان من نم داده است و مجبور هستم که گچ کار و نقاش بیاورم تا برای من آنرا نو سازی کنند یا آنجا را تعمیر کنند renovieren کنند ، حال اگر من به همین ساختمان بخواهم یک طبقه اضافه کنم ، آنگاه دیگر renovieren نمیکنم بلکه دارم یک تغییر اساسی ایجاد میکنم umbauen میکنم

betten برای کسی رخت خواب پهن کردن ، بستری مهیا کردن

umbetten قبر مرده ای را عوض کردن ، بستر بیماری را تعویض کردن ، جسدی را در گور دیگری نهادن ، جای کسی را به طور اساسی تغییر دادن

Wir haben den Kranken umgebettet

ما آن مریض را در جای دیگری بستری کردیم یا اینکه تخت آنرا به بخش دیگری بردیم

فرض کنید که قرار است کسی در بیمارستان بستری شود و قبل از اینکه او را به روی تخت ببرند ، خدمات بیمارستان می آیند و یک رخت خواب برای او پهن میکنند ، بعد از دو روز حال او بهتر می شود و قرار است او را به یک بخش دیگر منتقل کنند و در جای جدیدتری یا جای دیگری آنرا بستری کنند ، یا برای او یک رخت خواب دیگر در محل دیگری پهن کنند.

Wir haben die Toten umgebettet

ما قبر آن مُرده ها را عوض کردیم.

bilden شکل دادن ، ساختن ، ایجاد کردن ، یاد دادن ، آموزش دادن ، تعلیم دادن ، پدید آوردن

umbilden تغییر شکل دادن ، تجدیدی در آموزش دادن ایجاد کردن ، ترمیم کردن ، به یک شکل و روش دیگر تعلیم دادن ، به شکل یا روش دیگر چیزی را ساختن یا شکل دادن

drehen گرانیدن ، چرخاندن ، جهت را برگرداندن ، مو یا طناب و نظایر آنرا بافتن ، چیزی را گرد و دایره ای شکل کردن و...

umdrehen به شکل دیگری گردانیدن ، برگرداندن ، وارونه کردن

فرض کنید من به شما می گویم که بچرخ تا ببینم لباس در تن تو چگونه است که در اینجا شما شروع میکنید به drehen کردن خودتان ، اما اگر بگویم umdrehen کنید آنگاه منظورم این است که ملق بزنید

Die andere Seite der Vase ist schöner. Dreh sie um

طرف دیگر گلدان قشنگتر است. آنرا را برگردان

فرض کنید که ما قرار است بازی شیر یا خط انجام بدهیم و شما یک سکه را به هوا پرتاب میکنید و آن سکه به صورت ملق زدن دور خودش می چرخد و به زمین می افتد در واقع umdrehen می شود، اما اگر همین سکه را به روی زمین بگذارم و دور خودش بچرخونمش آنگاه دارم آنرا drehen میکنم.

Eine Münze umdrehen

یک سکه را به حالت ملق خوردن در هوا چرخاندن

Einen Stein umdrehen

یک سنگ را چرخاندن به طوری که ما زیر آنرا بتوانیم ببینیم. یعنی از پایین آنرا به طرف بالا آوردن به طوری که پایین و بالای آن جا به جا شود و بتوانیم آن طرفی که روی زمین بود را ببینیم.

نکته پایانی این درس : توجه داشته باشید که هرگاه um به ابتدای افعال ما اضافه می شود به آنها معنی و مفهوم به شکل دیگر یا به طور دیگری کاری را انجام دادن ، یا اینکه به طور اساسی تغییراتی در آن به وجود بیاوریم ، مثلا اگر راست میرویم از بی راه برویم ، یعنی در رفتمان یک تغییر اساسی ایجاد کنیم ، یا اگر یک ساختمان ساخته ایم حال یک تغییر اساسی در آن ایجاد کنیم و به شکل دیگری آنرا از نو بنا کنیم و دیگر افعال ما نیز به همین صورت است اگر به آنها um اضافه شود.

ناگفته نماند که بعضی از افعال هستند که استثناء در آنها وجود دارد مثلا فعل umarmen در آغوش کشیدن ، از آنجایی که ما فعل armen نداریم این فعل خارج از قاعده این درس می باشد زیرا پیشوندی به آن اضافه نشده است.

umarmen در آغوش گرفتن ، بغل کردن

Lass mich dich umarmen

بذار تو را در آغوش بکشم

اجازه بده بغلت کنم

پس هرگاه فعلی ذات آن با um آغاز می شود دیگر از مطالب این درس خارج است ، اما اگر آن فعل چیز دیگری است و ما به آن um اضافه میکنیم ، آنگاه دقیقا می شود مطالبی که در این درس آموختیم.

چنانچه شما نیز در ارتباط با این درس ، مثال ، پرسش یا نظری دارید ، می توانید آنرا در بخش نظرات همین درس درج کنید.

موفق باشید.

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع : de.alemani.de